



کلمات امام زمان در دوران غیبت صغری / دو کتاب در مورد دعاهای مهدوی

کلماتی از دوران ۶۹ سال غیبت صغری از امام زمان باقی مانده است و اصطلاحاً توقیعات در همین مقطع زمانی به کلمات امام(ع) اطلاق می‌شود و حاوی موضوعات مختلفی است.

کلماتی از دوران ۶۹ سال غیبت صغری از امام زمان باقی مانده است و اصطلاحاً توقیعات در همین مقطع زمانی به کلمات امام(ع) اطلاق می‌شود و حاوی موضوعات مختلفی است.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه چهارم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

به اینجا رسیدیم که زندگی امام علیه السلام در دوره غیبت صغری و با نواب اربعه که چهار نفر بودند، از تاریخ ۸ ربیع الاول سال ۲۶۰ تا نیمه شعبان سال ۳۲۹ هجری قمری طول کشید.

نواب خاص، این نیابت و سفارت را از طرف امام عصر علیه السلام به عهده داشتند یعنی تقریباً معادل ۶۹ سال. ده خصوصیت در مورد آنها عنوان شده که در مورد این ده ویژگی مفصل صحبت کردیم، بحث ایمان، تقوا، عدالت، وثاقت، راز داری پوشیده داشتن امر امام علیه السلام، بنده خدا بودن، امانت داری، درایت و تیز هوشی که در همین حالی که پاسخگوی مردم هستند از طرف امام، راهنمای مردم به طرف امام علیه السلام و مکان امام نیستند این تیز هوشی و درایت بسیار بالا می‌خواهد که ظلمه نتواند از این‌ها سوءاستفاده بکنند، آنها جای امام علیه السلام را می‌دانستند چون هم باید از طرف امام علیه السلام پیام ببرند و هم به امام علیه السلام مسائل را برسانند. در واقع چشم و گوش امام علیه السلام در جامعه شیعه بودند.

افرادی بودند که باید در سطح جامعه عادی بنظر برسند که دستگاهی بنی عباس در واقع به آنها حساس نشود که اینها در عین حال که آدم‌های ممتازی هستند ولی بدور از شهرت طلبی بودند. اینها ویژگی‌های ده گانه عمومی این بزرگواران بود.

امام علیه السلام در دوره غیبت صغری در سامرا بودند و مرکز نواب سلام الله علیهم اجمعین در بغداد بود و این رابطه بغداد تا سامرا خودش خیلی مسئله است. چون به هر صورت باید مردم را از امام دور نگه‌دارند در عین حال که باید مردم را با امام علیه السلام مرتبط نگه‌دارند.

عمدتاً این بزرگواران بواسطه وکلا یک سازمان هرمی تشکیل دادند، مردم معمولاً و عموماً بواسطه وکلا با این چهار بزرگوار ارتباط داشتند.

یک وظیفه‌ای که این بزرگواران داشتند جلوگیری از انحراف در مهدویت بود که حالا بحث اصلی ما در آینده خواهد بود. یکی از کارهای نواب اربعه و سفرای اربعه این بود که با این مسئله مبارزه کنند. علما را بواسطه فرهنگ سازی جامعه و ادار می‌کردند به مبارزه، به این شکل که عالمان وارد صحنه می‌شدند در مقابل مدعیان دروغین و جوری بحث را اداره می‌کردند که مردم متوجه می‌شدند که اگر کسی ادعای نیابت کرد چطور باید با او مقابله کرد؟

اگر کسی بخواهد چنین ادعائی بکند باید کرامت داشته باشد. مردم از نظر فرهنگی اگر «معنای کرامت» را بفهمند که با سحر و جادو، تفاوت دارد این طبیعتاً پس زده خواهد شد. دیگر نوبت نمی‌رسد شخصیت بزرگواری مثل جناب امیر کبیر بخواهد از عالمان حکم تکفیر، مدعیان بابت را امضاء بکند و مثلاً چنین شخصیتی که خدمتگزار ملت ایران بود به شهادت برسد بخاطر این که وظیفه دینی اش را انجام داده است.

کار دیگر نواب خاص ارتباط با امام عصر علیه السلام بود که از ناحیه امام علیه السلام توقیعاتی ارائه می‌شد.

توقیعات یا کلمات امام علیه السلام به سه بخش تقسیم می‌شود:

- بخش اول: در دوران پنج سال اول است که حضرت زیر سایه پدر بزرگوارشان هستند.

از نیمه شعبان ۲۵۵ تا هشتم ربیع ۲۶۰ هجری قمری اتفاق افتاده در منطقه سرمن رأی در اینجا کلماتی از امام وجود دارد که جمع آوری شدند از جمله فرمایش حضرت حجت علیه السلام است در شب ولادت شان وقتی پا به عرصه خاکی می گذارند جناب حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام ایشان را شخصیت هائی است که در آن برهه خدمتگزار حضرت عسگری علیه السلام بوده است. وقتی آقا زاده دنیا می آیند ایشان نقل می کنند که حضرت امام زمان علیه السلام کلماتی را بیان کردند این روایت در کتاب کمال الدین مرحوم صدوق هست.

حضرت دنیا آمدند حضرت عسگری علیه السلام فرزندشان را در آغوش گرفتند و به فرزندشان فرمودند ای فرزندم سخن بگو. می دانید که سخن گفتن نوزاد غیر ممکن نیست در قرآن هم هست. جناب عیسی علیه السلام صحبت کردند. *إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ إِنِّي الْكَتَابُ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا؛* ثانیاً اگر کسی بخواهد بحثی را مطرح کند قدرت خدا را باید بشناسد. حیطة قادریت خدا را آدم باید بداند.

حضرت حق فرمودند: اگر همه عالم، *مِنَ الْأُولِينَ* تا آخرین از من تمام زمین و آسمان را بخواهند و ما بینهما را بخواهند و مصلحت باشد که من به همه آنها بدهم ذره ای از خزانه مالی من کم نمی شود. این قدرت خداست. بعد می فرماید *کلید قدرت من واژه گن است گن فیکون.*

بعد امام عسگری علیه السلام به فرزندشان می فرمایند فرزندم سخن بگو چه می گوید؟ *أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحَدَّثَ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ* سه شهادت مهم در بدو ولادت به وحدانیت حضرت حق، رسالت جد بزرگوارشان و امامت امیرالمومنین علیه السلام پدر بزرگوارشان، می دهند. حکیمه خاتون می فرماید بعد از امیرالمومنین علیه السلام همه امامان را بشمارش در آوردند تا رسیدند به خودشان، *تَمَّ قَالَ اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي* سپس فرمودند آنچه به من وعده فرموده ای بجای آور، *وَ اتِّمِّمْ لِي أَمْرِي* کار مرا به سر انجام برسام، *وَتَّيِّبْ وَطْأَتِي وَ كَامِرْ* را استوار قرار بده، *وَ امْلِ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَ قِطْأً* و زمین را پر از عدل و داد بکن.

این یکی از کلماتی است که وجود نازنین حضرت در آن پنج سال بیان فرموده اند.

کلام دوم را جناب شیخ طوسی و شیخ صدوق از دو خادم امام عسگری نقل می کنند: حضرت وقتی دنیا آمدند عطسه کردند و فرمودند *الحمد لله رب العالمین ... حمد و ستایش مخصوص خداست گمراهان گمان می کنند، حجت الهی از بین رفته ولی، اگر خداوند به من اجازه ظهور و بروز بدهد همه شک ها و تردیدها برطرف می شود.*

و این کلام را احمد بن اسحاق اشعری رئیس علمای امامیه گفت من در محضر امام شرفیاب شدم عمر مبارک شان چهار سال بود. حضرت به عربی فصیح فرمودند: *أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ الْمَنْتَقِمُ فِي الْعَدَاءِ* این کلماتی است که از امام باقی مانده در دوران پنج سال.

در دوران ۶۹ سال غیبت صغری کلماتی که این جا باقی مانده، اصطلاحاً توقیعات به همین مقطع از کلمات امام علیه السلام اطلاق می شود. موضوعات *مُتَشَتِّتَات* است.

تمام آن دست نوشته های امام به خط حضرت است و تمام راویان توقیعات این عبارت را دارند: *خَرَجَ تَوْقِيعٌ يَخِطُّ تَعْرِفُهُ* خارج شدن دست نوشته ای بدست خود حضرت که ما آن را می شناسیم. یعنی این علامت بوده که این دست خط من امام علیه السلام است. لذا در اکثر موارد تمام راویان توقیعات نوشتند *خَرَجَ تَوْقِيعٌ يَخِطُّ تَعْرِفُهُ* خارج شد دست نوشته ای به خط حضرت که ما آن را می شناسیم. یعنی در واقع ثبت با سند برابر است.

بنابر این توقیعات در کتاب هائی جمع شده است در یک موضوع از توقیعات کتابی معرفی می کنم و بعد در کل توقیعات کتاب دیگری معرفی می کنم.

توقیعات موضوعات متعدد دارند: بعضی ها معارف اعتقادی است و سیاسی است. برخی مباحث معارف اعتقادی و سیاسی است. صفات خدا، نبوت، ختم قرآن، مسئله امامت، مبادی علوم امامان علیهم السلام و... است. برخی از توقیعات احکام فقهی و *سؤال و جواب* فقهی از امام علیه السلام کردند امام جواب دادند. بخشی از توقیعات درخواست کرامت است از امام التماس دعا داشتند. امام هم دستورالعمل نوشتند و هم آن شخص را دعا کردند.

چهارمین بخش که مهمترین بخش است ادعیه ای است که از امام علیه السلام صادر شده است. ما دعاهائی داریم که

از امام علیه السلام صادر شده دو کتاب در این زمینه معرفی می‌کنم. کتاب صحیفه المهدی، حاوی چهل و دو دعا از امام زمان علیه السلام است. یکی از دعاها را عرض می‌کنم. امام در نمازشان این گونه دعا می‌فرمایند:

اللَّهُمَّ إِنَّ شَيْعَتِنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا وَ بَقِيَةِ طَيِّبَتِنَا خَدَايَا پيروان ما خلق شدند از شعاع انوار ما و اضافه گل ما، این تعبیر در واقع تعبیر شدت اتصال است. این خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا وَ بَقِيَةِ طَيِّبَتِنَا یعنی نزدیکی به ما را دارند، وَ قَدْ فَعَلُوا دُئُوبًا كَثْرَةً اینها گناهان زیادی را انجام دادند، إِيَّكَ لَا عَلَيَّ حِينًا وَ لَا تَيْنًا فَإِن كَانَتْ دُئُوبُهُمْ تَبِيكَ وَ بَيْنَهُمْ گناهان بین خودشان و خودت را، قَاصِفَحَ عَنْهُمْ امام در حق ما دعا می‌کند، فَقَدْ رَضِينَا ما از آنها رضی هستیم تو پاک کن آنها را، وَ ادْخِلْهُمْ الْجَنَّةَ وارد بهشت شان بکن، فَزَخَّرْهُمْ عَنِ النَّارِ از آتش دورشان کن، وَلَا تَجْمَعْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَعْدَائِنَا فِي سَخِطِكَ در آتش جهنم بین آنها و دشمنان ما جمع نکن، چقدر عالیست. مگر دعای امام می‌شود رد بشود.

دعای یک آقا پشت سر جامعه است. حیف است به این آقائی توجهی نشود غفلت بشود از این آقا. من گناه می‌کنم او ناراحت می‌شود، من گناه می‌کنم او ریش گرو می‌گذارد، به هر صورت آدم باید حواسش جمع باشد این آقائی که برای بقای من، برای بهشت من دارد ریش گرو می‌گذارد یک خورده بیشتر به ایشان توجه داشته باشم.

- یک دعائی به نام دعای علوی مصری است، دعای علوی مصری توسل است به امام زمان علیه السلام برای گشایش حاجت، حاجتی که شاید انسان دیگر در ید قدرت اش نیست. خوف از سلطان این دعا مفصلی هم هست.

امام زمان علیه السلام این دعا را به شخصی به نام علوی مصری در توقیع تعلیم کردند برای او دادند. و حضرت فرمودند که این دعا، دعای گشایش انبیاست.

دعاهای صادره از امام زمان علیه السلام در عصر غیبت صغری کتاب دیگری است که معرفی می‌کنم. تفاوت این کتاب با کتاب فبلی این است که صحیفه المهدی ۴۲ دعا و این کتاب ۳۰ دعا دارد. کتاب دوم زیارت آل یس را در چهار نقل قول مطرح نموده است.